

خانه پدری صادق هدایت:

نازلی سماک

"نام صادق هدایت همواره جنجال آفرین بوده است. هدایت در ۲۸ بهمن ماه ۱۲۸۱ در خانواده ای اصیل و اشرافی پا به جهان گذاشت. وی فرزند هدایت قلی خان هدایت (اعتضاد الملک) و خانم عذرا هدایت (زیورالملوک) و نوه پسر جعفر قلی میرزا (نیرالملک)، وزیر علوم دوره ناصرالدین شاه، است (۱)."

صادق هدایت در ۱۹ فروردین ماه ۱۳۳۰ در پاریس دست به خودکشی زد. همانگونه که صادق هدایت بارها مورد بی مهری قرار گرفت، محل سکونت وی نیز در طول زمان به دست فراموشی سپرده شد. چه بسا حتی کسانی باشند که ندانند این بنا هنوز سرپاست. هدایت در طول حیات خویش هیچگاه ازدواج نکرد و به همین سبب همواره در طول اقامت خود در ایران، در خانه پدری می زیست.

"خانه پدری هدایت که در خیابان کوشک (خ شهید تقوی فعلی) قرار دارد یکی از چند عمارت موجود در باغ نیرالملک بوده که با فوت وی باغ مذکور میان فرزنداناش تقسیم شد و این عمارت به اعتضادالملک هدایت رسید (۲)."

خانه هدایت یکی از یادگارهای دوران قاجار، دورانی که از نظر موقعیت زمانی بسیار خاص بوده، می باشد. چرا که در این دوران هنر و معماری این سرزمین دستخوش تحولات و تغییرات محسوسی گردیده است و همین امر باعث می شود تا ما هرچه بیشتر به حفظ این بنا و اصالتهای سبک معماری آن بپردازیم.

این بنا در کوران حوادث روزگار و اتفاقات اجتماعی و سیاسی گذشته این سرزمین دچار تغییر و تحولات (و بی مهری های!) زیادی گردیده و در حالیکه در ابتدای امر به عنوان یک عمارت مسکونی در یکی از بهترین مناطق آن دوره تهران بود، بعد از مدتی تغییر کاربری یافته و همین تغییر کاربریها باعث تغییرات اساسی در بنا و و محیط پیرامون آن گردیده است. این تغییرات طوری بوده که کم کم چهره اصلی بنا و اصالت طرح و سبک معماری بنا و تناسب ظاهری بنا خدش دار گردیده است.

"چنانچه می دانیم در زمان محمدرضا شاه، زمانی که قصد داشتند آن را به مرکز ادبی صادق هدایت تبدیل کنند؛ در سال ۱۳۵۵؛ آنرا مورد مرمت و تغییراتی قرار دادند ولی این مهم هیچگاه جامه عمل نپوشید و این بنا بعد از انقلاب اسلامی توسط بیمارستان امیر اعلم، به عنوان مهد کودک جهت کارمندان آن مرکز مورد بهره برداری قرار می گرفت تا اینکه پس از ثبت این بنا در سال ۱۳۷۸ و اعتراضات مسؤلان وقت میراث فرهنگی از آن زمان به عنوان کتابخانه و قرائتخانه دانشجویان پزشکی مورد بهره برداری قرار میگردد (۲)."

این بنا به معماری کاملاً درون گرا و با سبک تلفیق (تلفیق معماری سنتی و معماری اروپایی آن

زمان) که سبک رایج آن دوره در بناهای اشراف و بزرگان بوده، ساخته شده است. آنچه در وهله اول در معماری این بنا جلب توجه می کند، تلفیق دو عنصر متضاد سنت و مدرنیته در معماری آن می باشد، به طوری که در عین رعایت خصوصیات معماری سنتی ایران مانند مردم واری، درونگرایی، استفاده از مصالح بوم آورد و ... آنها را با اجزاء و عناصر معماری اروپایی (بام شیبدار، قوسهای نیم دایره ای و...) در هم آمیخته است.

۱. منبع الهام:

منبع الهام این بنا، سنت معماری ایران زمین است. البته نفوذ معماری غربی را در اجزاء و عناصر این بنا، مانند سایر عمارت‌های اشراف و بزرگان آن دوره را نمی توان منکر شد. از نمونه های این معماری می توان به خانه امام جمعه (خ ناصر خسرو) اشاره کرد که در عین رعایت خصوصیات معماری سنتی دارای اجزاء و عناصر معماری اروپایی مانند نقاشی های روی آئینه از زنان اروپایی و مناظر و نقوش فرشتگان می باشد.

۲. نوع سازه و مصالح:

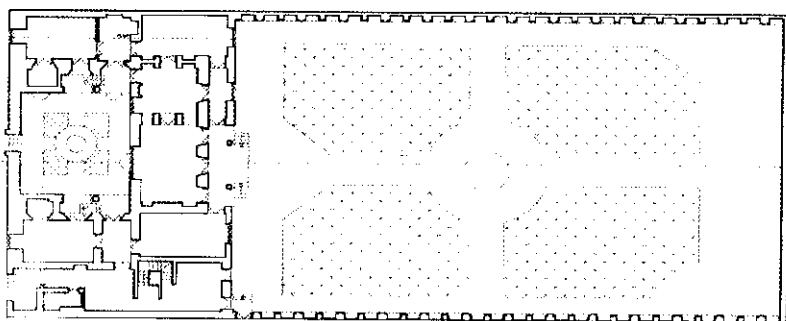
کالبد ساختمان یا به اصطلاح سفت کاری بنا بر طبق شیوه های سنتی اجرا شده است. عمار مذکور دارای ۴ زیرزمین* و یک طبقه همکف و یک نیم طبقه الحاقی (به صورت یک اتاق که احتلا مربوط به همان دوران مرمت است) می باشد. نحوه اتصال اندرونی و بیرونی به هم از طریق دالانی شمالی. جنوبی که در زیر بنا تعبیه شده، می باشد.

در زیرزمین دیوارهای باربر آجری با تاقهای تخت آجری اجرا گردیده است. در طبقات فوقانی، دیوارها باربر و آجری هستند. سقف طبقات فوقانی با الوار چوبی و کاهگل اجرا شده است. بام ساختمان با شیروانی پوشیده شده که از داخل، سقفها به کمک صفحات چوبی گره چینی پوشانده شده است (نمونه این گره چینی را بر روی درب ورودی اصلی این بنا می توان دید***) و چراغهای اتاق در لایبای این گره چینی ها قرار دارند...

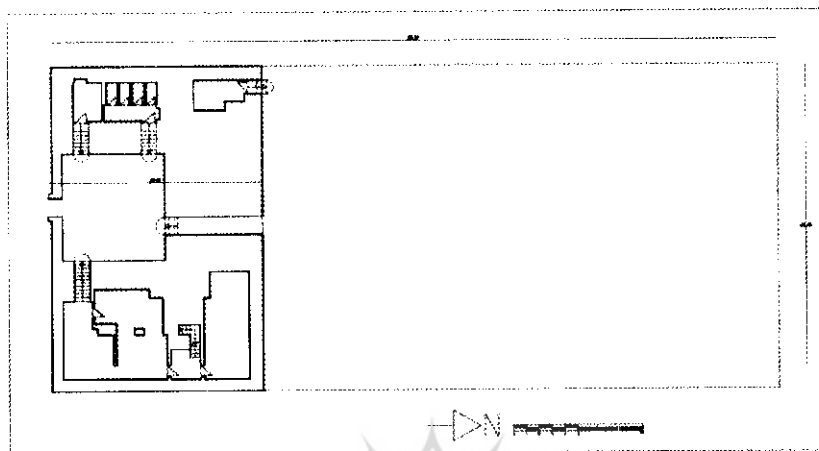
۳. عناصر تشکیل دهنده ساختمان:

ستونهای ساختمان چه قبل چه بعد از بازسازی به صورت ساده و با سرستون مطبق بر پایه ستون مدور قرار گرفته اند. نرده های ایوان شمالی از چدن و با طرحی شبیه نرده ها و حفاظهای آن دوران (نمونه این حفاظها را می توان در کوشک فیخرالدوله و کاخ ابیض و کاخ ملیجک و ... دید) ساخته شده اند ولی دوطرفه بودن راه پله ایده کاملاً فرنگی است.

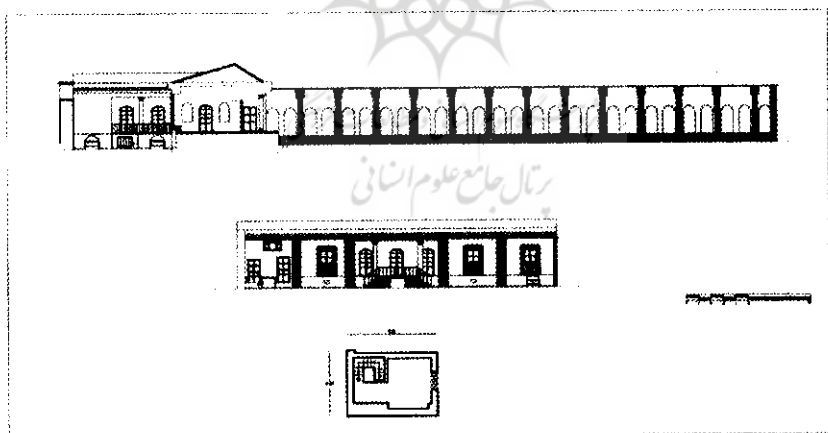
پلان بنا



پلان زیرزمین



برش و نما و پلان نیم طبقه دوم بنا





حیاط جنوبی

حیاط شمالی



در بخشهای شرقی و غربی، نرده ها چوبی هستند و پله ها آجری و نسبتاً بلند می باشند. قوسهای مورد استفاده در این بنا به صورت قوس رومی (مشهور به دسته زنبیلی) است.

۴. تزئینات:

این بنا برخلاف بناهای هم عهدش، تزئینات چندانی ندارد و تزئینات آن در قسمت نما منحصر است به اجرای دندانه موشی های زیر شیروانی و کاشی کاری ازاره ها با نقوش فرشته، ساختمان، سربازانی با لباس قجری و طرحهایی از گل و گیاه و سقف ایوانها نیز به صورت قابهای گره چینی شده و چوبی می باشد که نظیر این نقوش را می توان بر روی درب ورودی اصلی (اولیه) بنا دید. "پنجره های زیرزمین در حیاط شمالی سابقاً به صورت شبّاک (نظیر این شباکها را در خانه امام جمعه و شمس العماره و... می توان دید). بوده است (۳) " که در مرمت سال ۱۳۵۵ حذف و به صورت پنجره های کوچک آجری مشبک درآمد. نرده چدنی ایوان شمالی و حفاظهای چدنی پنجره های سطوح خارجی بنا، درب گره چینی شده ورودی اولیه بنا، تاقچه های ایجاد شده در دیواره های حیاط شمالی، آجرکاری هواکش های زیرزمین در سطوح خارجی بنا که به صورت پتکین اجرا شده، تزئینات خارجی بنا را شامل می شود.

تزئینات داخلی بنا تنها شامل صفحه گره چینی شده سقف می باشد.

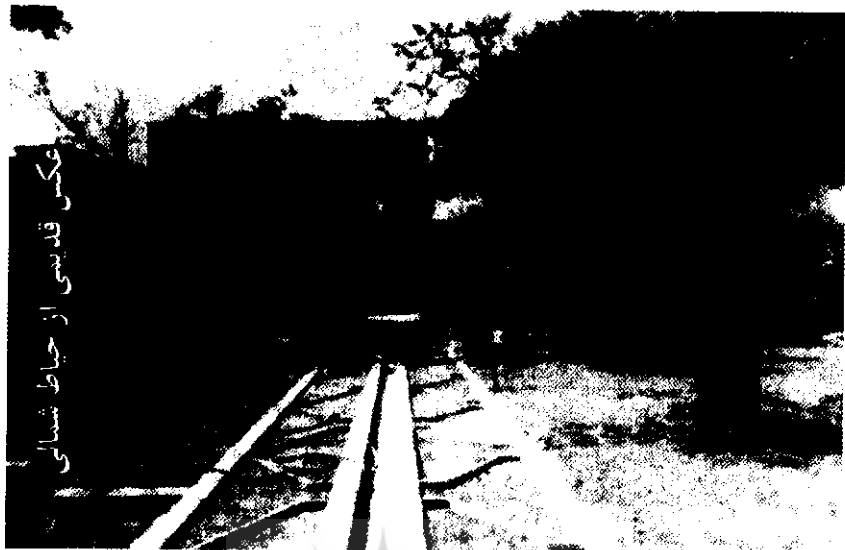
۵. شکل کالبدی:

پلان ساختمان به صورت درونگرا، ایرانی و کاملاً متقارن است؛ اگرچه در آن نوآوری هایی مثل دالان ارتباطی زیر بنا صورت گرفته است.

پله دو طرفه ورودی به طبقه همکف در بخش شمالی، بر روی محور وسط ساختمان (که از میان حوض وسط حیاط و دالان ارتباطی نیز می گذرد) قرار دارد و به یک پاگرد ختم می شود. ارتباط به کلیه اتاقها در این طبقه از طریق این پله و پاگرد میسر است که پله دوطرفه آن ایده کاملاً فرنگی است.

در بخش شرقی و غربی نیز راه پله هایی متقارن که به ایوانی ختم می شوند، اتاقهای طبقه همکف را در بخش جنوبی بنا به حیاط این بخش متصل می سازند.





عکس قدیمی از حیاط شمسی

نظام گردشی در بنا کاملاً سنتی است و همه اتاقهای آن به هم راه دارند که ایده ای کاملاً سنتی است.

نمای ساختمان، همانطور که اشاره شد؛ به صورتی تلفیقی از معماری سنتی و غربی است. مقطع بنا از نظر سفت کاری ایرانی است (هر چند که در مرمت سال ۱۳۵۵ از موادی چون سیمان و تیرآهن استفاده شده است) ولی بازو ها، تزئینات و بام بنا از روی مدل‌های فرنگی الگو برداری شده است.

۶. سبک ساختمان:

با توجه به اینکه نفوذ معماری غربی در این بنا نسبتاً جزئی است و منبع الهام، شکل کالبدی، عناصر معماری، نوع مصالح (منظور مصالح استفاده شده قبل از عملیات مرمتی می باشد) و سازه عمدتاً ایرانی می باشند، لذا سبک این بنا در چهارچوب سبک معماری سنتی بنا می گنجد.

۷. تحلیل نهایی:

این بنا نمود کالبدی شروع تغییر ذهنیت و نگرش در دوره ناصرالدین شاه است. همچنانکه امرا و درباریان کشور به تدریج توجه خود را از سنت و هنجارهای گذشته به سمت فرنگ و ظواهر آن معطوف می داشتند، کاخها و ساختمانهای شاخه شده توسط آنها نیز به تدریج از سنت معماری ایران فاصله می گرفت، به نحوی که در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، شاهد اجرای ساختمانهایی کاملاً مطابق با الگوهای فرنگی (مثل کاخ ملیچک، کوشک فخرالدوله و ...) هستیم.

" در پایان باید اشاره شود، معماری همچون دیگر مظاهر زندگی ما ایرانیان تحت تأثیر امواج نوگرایی قرار گرفت. شیفتگی در مقابل مظاهر مدرن و کارآیی بهتر شیوه های جدید غربی از جمله عواملی بود که معماری پایتخت را به سمت معماری اروپایی سوق داد. در ابتدا گرایش به سمت معماری فرنگی در حد تزئینات کاخهای امرا و اشراف بود، ولی از زمان سلطنت ناصرالدین



شاه، المان های مشخصی از معماری غربی در ساختمانهای شاخص پایتخت تجلی پیدا کرد. در دوره سلطنت ناصرالدین شاه، اگر چه معماری ما به شمت معماری غرب گرایش پیدا کرد، ولی این گرایش به صورت شکلی و ظاهری بود. در این دوره هیچگاه مباحث فلسفه معماری غرب در ایران زمین مطرح نشد و هیچ سند و مدرکی از ترجمه کتب یا مقالات اروپاییان وجود ندارد (۳).

پانویسها:

* بخش زیرزمین در قسمت شمالی تمام بخش زیر بنا بجز بخش دالان ارتباطی را شامل می شده که مطبخ بنا بوده و پنجره هایی نیز به صورت شتاک داشته که در زمان مرمت به صورت کنونی در می آید. در قسمت غربی، زیرزمین سرویس بهداشتی جهت خدمه و ساکنان و در بخش شرقی، محل اقامت خدمه قرار داشته است.

** درب ورودی بنا سابقاً همان درب گره چینی شده بوده که پس از عملیات مرمتی سال ۱۳۵۵، درب جدید خیابان کوشک (درب چوبی ساده که به حیاط جنوبی باز می شده و تا مدتها ورود و خروج از طریق آن ممکن می شد) بازگشایی شد ولی اکنون این درب بسته شده و تنها راه ورودی از طریق داخل بیمارستان است.

منابع:

۱. www.Sadeghedayat.com

۲. برگرفته از صحبتهای آقای جهانگیر هدایت.

۳. با استفاده از آلبوم عکسهای صادق هدایت.

۳. معماری در دارالخلافه ناصری، دکتر وحید قبادیان، نشر پشتون، ۱۳۸۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله علمی و حرفه‌ای

عکس قدیمی از صادق هدایت و برادرانش
که در پشت سر آنها شبآکهای قدیمی را می‌توان دید.